

در پاسخ به این پرسش که اصلا مفهوم اصلاح طلبی چیست، باید گفت اصلاح‌طلبی عبارت از بهبودخواهی و تحول در مطالبات است که این تحولات باید قانونمند و تدریجی باشد. باید آرام پیش برود و باید به‌دور از خشونت بوده و واقع‌بینانه باشد. باید به این مؤلفه‌ها ملزم شویم و برای اینکه میان تز و آنتی‌تز، سنتری ایجاد کنیم، باید تناسبی در حوزه فعالیت و بستر قابلیت آن برقرار کنیم. اراده اصلاح‌طلبانه تنها وجه فاعلی امر است؛ بنابراین کافی نیست فقط اراده اصلاح‌طلبانه داشته باشیم. باید فعالیت اصلاح‌طلبی خود را به گونه‌ای اعمال کنیم تا جامعه قابلیت و پذیرش آن را داشته باشد. باید بدانیم که می‌خواهیم وارد چه بستری شویم؟ بستری که ملک مشاع با رقیب است، ملک شخصی من و هیچ‌یک از آحاد مردم نیست. ملک مشاع همه است و ملک شخصی هیچ‌کس نیست. دیگران هم در آن مداخله دارند. دستگاه‌هایی در این عرصه وجود دارند که آنها فارغ از مناسبات سیاست‌ورزی منطقه‌ای، منطقی و رای مردم‌اند و روند انتخابات دموکراتیک نسبتی با آنها برقرار نمی‌کند و داستان دیگری برای خود دارند. در این‌ عرصه قرار است کار کنیم. به صرف اینکه من احساس اصلاح‌طلبی داشته باشم و حرف‌های خوب‌خوب بزنم، کافی نیست. قبل از اینکه در مقام فعالیت نقش ایفا کنیم، باید ابتدا این فضا را بشناسیم و بدانیم این ابزار که داریم، اثری دارد یا نه؟ اینکه آقای اصغرزاده می‌گوید ما به پشتوانه جمهوری خواهی می‌خواستیم چنین کنیم با قانون اساسی را تغییر دهیم، حتما موفق نخواهیم شد؛ زیرا هنوز بستر و ملک مشاع و رقیب را نداشته‌ایم. می‌می‌خواهم به نقطه تاریخی دادگاه‌های سال ۸۸ اشاره کنم؛ به‌عنوان یک متهم در دادگاه اعلام‌گرم به صفت شخصی تخلفی صورت ندادم؛ اما به صفت گروهی و جبهه‌ای گفتم در سال ۶۶ به بعد دچار خطای تاریخی شدیم و جمهوریست نظام را در برابر ولایت نظام نشاندیم. اصلا مهم نیست من نوعی اصلاح‌طلب ولایت را قبول داشته باشم یا نه یا ولایت‌مدار ما جمهوریست را قبول داشته است یا نه. واقعیت این است که ولایت و جمهوریست براساس یک میناق ملی در کشور ما وجاهت قانونی پیدا کرده است. از منظر آسیب‌شناسی باورمان این است که اصلاح‌طلبان عزیز برای عبور از این برهه تاریخی نیازمند بازنگری منطقی در رفتارها و روندها و نوع نگاه خود هستند؛ هرچند اگر موفق عمل کنند، در مقام عمل معلوم نیست چه میزان دستاورد داشته باشند؛ چراکه همچنان زمینه براساس نظام تأسیس دولت یا دولتمردی و دولت‌مدن شکل نگرفته است. امروز ما از رد صلاحیت‌ها و نظارت استصوابی شورای نگهبان کله داریم که نیروهای طراز اول ما را رد صلاحیت می‌کند و با تأیید نیروهای دست‌چندی باعث یک پارلمان ضعیف می‌شود که نمی‌تواند بار اساسی زندگی مردم را بر دوش بکشد. باید یک زبان مفاهیم پیدا کنیم تا این قیف وسع‌تر شود و چند آدم حسابی‌تر به مجلس راه پیدا کنند و پارلمانی در شان و منزلت خود شکل دهند.

اصغرزاده: صحبت‌های آقای عطریانفر به‌نوعی ما را سرجای خود متوقف می‌کند. یک عنصر محافظه‌کاری در نگاه ایشان وجود دارد. با این نگاه باید بگوییم این شورای نگهبان است که موتور محرک اصلاح‌طلبی است. به‌ویژه اگر تقاضای ما در تأیید صلاحیت‌ها را پاسخ بدهد و سر کیسه را شل کند. تئدروها هم اگر لطف کردند و کمتر در کار دولت قانونی کارشکنی کردند، خدا خیرشان بدهد به ثبات کشور کمک کرده‌اند. به‌نظرم این‌ نگاه آن‌قدر محافظه‌کارانه است که ما را به دوران ماقبل دولت خاتمی برتاب می‌کند. بالا‌بردن بهره‌وری و افزایش نرخ رشد یا بهبود مدیریت کشور مگر چیزی است که تئدروها نمی‌خواهند؟ اتفاقا آنها مدعی دینا باشک نشخ نرخ بی‌کاری و افزایش صادرات و درآمد‌های کشورند تا همسهمان بر دارند. اتفاقا اصلاح‌طلبی درست از همان لحظه‌ای شروع می‌شود که اندیشه محافظه‌کاری به بن‌بست رسیده و دچار وجود شده است. نقد و شفافیت عناصر ذاتی اصلاح‌طلبی است، درحالی‌که اصولگراها و محافظه‌کاران به پوختن‌انواعیات و کتمان حقایق، غیرقابل‌تدبند دانستن افکار و اعمال‌شان و اتخاذ تصمیمات پشت پرده شناخته می‌شوند. چیزی که مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و حتی همین آقای روحانی سرآمدن آن هستند. البته ما باید واقعات سیاسی اجتماعی را بپذیریم و درک کنیم ولی نباید به آن راضی و تسلیم باشیم. جوامع سرمایه‌داری که تصور می‌شد دموکراسی به‌سیرم رشد خود را در آنها یافته است، امروزه با بحران بی‌مناشدن سیاست، سر برآوردن جریانات نژادپرست، ملی‌گرای افراطی و فاشیستی و تعمیق فاصله طبقاتی بی‌سابقه روبه‌رو هستند. واقعات ساختاری مانند کسل‌های زمین‌شناسی حقایقی هستند که وجود دارند، ولی ما خودمان تصمیم می‌گیریم چگونه رو این کسل‌های زندگی کنیم. اتفاق تصادف و اتفاق نادانستن اگر قرار بود قدرت همیشه در ساختارها، دولت‌ها و طبقات حاکم لانه کرده باشد هیچ‌گاه انقلابی شکل نمی‌گرفت و اراهه دموکراسی به پیش رانده نمی‌شد. اصلاح‌طلبی اگر در روش یا انقلابی‌گری و خشونت مزبندی دارد، در محطمانا دیوار قطوری آن را از محافظه‌کاری و بنیادگرایی جدا می‌کند. اصلاح‌طلب نه محافظه‌کار است و نه انقلابی. دست به خشونت نمی‌زند دست به تغییرات را‌دیگال نمی‌زند. همه اینها را آقای عطریانفر بهتر از من بلد است. نکته‌ای اما در سخنان آقای عطریانفر است که عنصر مقوم و بنیادین محافظه‌کاری است و آن این است که مناسبات تاریخی را علت و معلولی و خطی می‌بیند. در آن سنت حاکمیت بلامنازع دارد معتقد است باید از دیروز بیاموزیم درحالی‌که هیچ‌وقت، هیچ‌کس از تاریخ‌نیاموخته است. اصلا تاریخ را می‌خوانیم که بیاموزیم به‌کار بنندیم. ایراد کار اصولگراها دقیقا همین‌جاست که برداشتمان از قدرت و حکومت همان برداشت سنتی از دشمنی و تنگ، می‌مرد و حذف است و متوجه نیستند دیگر دنیا

و بالطبع جامعه عوض شده و مؤلفه‌های قدرت تغییر کرده است. نمی‌توانیم خطی عمل کنیم. درست است ساختارها و زیربنایهای فرهنگی و دینی وجود دارد که باید آینده را قطعی کند، ولی آنچه آینده را رقم می‌زند اتفاقاتی است که اراده و آگاهی انسان‌ها آنها را رقم می‌زند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد مشروعیت حکومت شاه از بین رفته بود حافظ منافع غرب در خلیج فارس شده بود و مردم او را دست‌نشانده و نوکر آمریکا می‌دانستند، اما هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. شاه احزاب را منحل کرد و فقط به یک حزب اجازه فعالیت داد و هیچ اتفاقی نیفتاد. درحالی‌که رخداد ساده‌ای مانند قوت اقامصطفی، فرزند بزرگ امام خمینی با چاپ مقاله‌ای در روزنامه با سفر کارتر به ایران، توانست میدان بازی را تغییر دهد. البته قبول دارم که اگر آن بستر فقدان مشروعیت فراهم نباشد که نسبت به خطاهای یاد‌خواهند شد. مگر همگان نمی‌دانستند کشورهای عربی خاورمیانه سال‌هاست اسیر دست استبداد و دیکتاتوری‌های حزبی و نظامی‌اند، اما انقلابی نشد تا وقتی بر حسب اتفاق جوان تحصیل‌کرده سبزی‌روشی به‌نام یوزسری در تونس خودسوزی می‌کند، نشان منطقه‌ای به آتش کشیده می‌شود و بهار عربی شک می‌گیرد. چندین شاه و حاکم سرنگون می‌شوند یا تن به دموکراسی می‌دهند. ساختارها ضرورت را ایجاد می‌کنند، ولی نه اینکه الزاما علت یا دلیل خطی تغییرات باشند. علت انقلاب چیزهای دیگر است، اما هیچ انقلاب و تحولی بدون بستر ضروری خود شکل نمی‌گیرد. فراموش نکنیم روزهای منتهی به انتخابات ۹۶ بنا به‌دلایلی اعتبار دولت اول روحانی به‌شدت افول کرده بود، برجام به بن‌بست خورده بود و منطقا باید شرایط به برآمدن نامزد اصولگراها منجر می‌شد، ناگهان ظرف کمتر از ۲۸ ساعت مردم برگ پرده خودشان را رو کردند و با موجی که آفریدند روحانی را با ۲۴ میلیون رای مجددا روانه کاخ ریاست‌جمهوری کردند.

آ جناب اصغرزاده نظر مشخصا درباره بحث راهبری اصلاحات و موضع امروز اصلاح‌طلبان در این خصوص چیست؟

اصغرزاده: من در مورد اینکه راجع به آقای خاتمی و نقایض کادر مدیریت اصلاح‌طلبان گفت‌وگو کنیم مشکلی ندارم. مشروط به آنکه در زمین اصولگراها بازی نکنیم. آنها با سیاست‌های غلط و کینه‌توزانه‌شان چوب لای چرخ اصلاحات گذاشته و برای سالیان طولانی پیشرفت زده‌اند و باید به نسل‌های آینده پاسخ‌گو باشند. از نقد اصلاح‌طلبان بوروکرات یا تکنوکرات‌های شیفته قدرت ابایی ندارم. بعضی اصلاح‌طلبان چندان به اصول و دیسیپلین سیاسی خاصی وفادار و پایبند نیستند و به اقتضای منافع سیاسی و اقتصادی دچار قبض و بسط می‌شوند. حالا که پذیرفته‌ایم جبهه‌ای عمل کنیم، کاریزما معنایی ندارد و راهبری جبهه باید براساس توافق و خرد جمعی صورت گیرد. توافق بر سر مدیریت جلوی این را که یک طایفه، حزب یا خانواده با کاست

لیدری را مال خود کنند، می‌گیرد. اگر ما ناچار از توافق مجدد بر پیمان خود با مردم باشیم، مجبوریم به آنها بگوییم مدیریت اصلاحات تا کجا ایستادگی خواهد کرد. در بازی شطرنج هم وزیر بازی خودش را می‌کند و پیاده بازی خودش را. باید در توافق با ملت ببینیم سخنگوی چه بخشی از جامعه بوده و کدام مطالبات را نمایندگی می‌کنیم و صدای کدام بی‌صداها در جامعه باشیم. اصولگراها عموما غرب‌ستیزند و حاضرند برای مقابله با غرب به اتحاد استراتژیک با چین و روسیه تن بدهند. فراموش نکنیم تئدروها زمانی اوباما، بوش و کلیتون را مانند همین ترامپ فعلی ارزیابی می‌کردند؛ اگر دشتشان می‌رسید تا آنجا پیش می‌رفتند که سیاست‌مداران نیمه‌اصولگرای می‌مانند رفسنجانی و روحانی را هم با ملکه الیزابت و ترامپ هم‌سفره می‌کردند. خود ما در ابتدای انقلاب با ذهنیت جنگ سردی لیبرال‌ها را جادصاصف‌کن امپریالیسم می‌دانستیم. ما نباید این خطاها را دوباره مرتکب شویم. لیبرالیسم اقتصادی که کارگزاران به آن معتقد است، بدون لیبرالیسم سیاسی و توسعه سیاسی توهم است. در سطح جهانی نیز شواهد زیادی موجود است مثلا همین روسیه که در آن اصلاحات اقتصادی تن تنها به نتایجی موفقیت‌آمیز منجر نشد که موجب ظهور پوتین شد و رهاسازی اقتصادی راه ن‌ثروتمندشدن عده‌ای معدود و رشد الیکارشی غیراخلاقی نظامیان و وابستگان «گ‌کب» را باز کرد. مهم این است که اصلاح‌طلب‌ها بدانند با چه موازنه را بر هم بزنند. آیا هنوز می‌خواهند طبقه متوسط نیرویی چه چیزی را می‌خواهند اصلاح کنند و کجا این موازنه را بر هم بزنند. آیا هنوز می‌خواهند طبقه متوسط را نمایندگی کنند؟ ما این واقعیت را نفی نمی‌کنیم که در زمان هاشمی‌رفسنجانی سیاست اقتصادی به تقویت طبقه متوسط انجامید. طبقه متوسط مطالبات سیاسی داشت که زمینه‌ساز تحولات بعدی مانند دوم خرداد شد اما طبقه متوسطی که متلاشی شده الان سیاست‌زدایی شده؛ بخشی از طبقه متوسط به حاشیه شهر رانده شده و بخشی دنبال رانت است. اصلاح‌طلبان در این شرایط قرار است سخنگوی کدام نیروی اجتماعی باشند؟ می‌خواهند نمایندند تکنوکرات‌ها باشند؟ نماینده سرمایه‌داران باشند؟ نمی‌گوییم سیاست‌مداران دنبال توده‌های مردم بروند یا نمی‌گوییم توده‌ها مقدس هستند اما توده هم حقوقی دارد و مطالباتش زمینه‌ساز تحولات در جامعه است.

آ به نظر می‌رسد که شاید اصلاح‌طلبان بتوانند با تبیین یک مانیفیست روشن تمام این سخنان را به صورت منسجم پاسخ دهند. آیا هیچ وقت تلاشی انجام شد تا یک مانیفست روشن نوشته شود؟

اصغرزاده: بزرگ‌ترین عامل تهدید کشور خارج از مرزها

و در میان اپوزیسیون برانداز کنونی آن نیست. بزرگ‌ترین خطر در داخل و در هراس از هژمونیک‌شدن راست افراطی و نیروهای تندرو‌قرار دارد. جنبش اصلاحات در ایران ریشه‌های عمیقی دارد و با حذف اصلاح‌طلبان نخواهد مرد. شرکت در انتخابات در واقعیت برای اصلاح‌طلبان هم استراتژی و هم تاکتیک است. هدف انتخابات در ایران حل مسئله قدرت از طریق مسالمت‌آمیز و رقابت در میان طیف‌های معتقد به نظام است. در انتخابات نیروهای سیاسی جدیدی ظهور می‌کنند و ارزش‌ها و جایگاه برخی از نیروهای سیاسی قدیمی رو به افول می‌گذارد و توازن قدرت نیز تغییر خواهد کرد، در نتیجه آرایش و صغ‌بندی‌های جدید، تضادهای و منازعات سیاسی شدت بیشتری خواهند گرفت. اما همیشه این بخش اصولگرا هستند که نسبت به خطاهای یاد‌خواهندی نهادهای انتخابی و مردمی بی‌گانه‌اند. مردمی که خود رئیس‌جمهور و نمایندگانشان را انتخاب کرده‌اند، مقصرند. منشور یا مانیفست نوشتن و چارچوب تعیین‌کردن این حسن را دارد که به تناسب قوا و توازن میان اختیار و مسئولیت نهادهای نور می‌افکند. یک نکته قابل توجه نیز غرب‌الگوری و تفکیک نیروهای اصلی و بدلی اصلاح‌طلب است. انتخاب میان بد و بدتر را باید کنار گذاشت. دیگر نباید گزینه‌ها را از میان ثبت‌نام‌کرده‌ها انتخاب کنیم؛ اگر توافق کرده‌ایم که جبهه هستیم، باید گفت‌وگو کنیم بر سر غدغه‌هایمان. این همان مانیفست ما می‌شود. اظهار نظر اشخاص منتقد درس آموز است. آقای کرباسچی نظرات خودشان را همیشه با صدای رسا گفته است نباید شروع به برچسب‌زنی و حذف آن کرد. نباید عده‌ای برآشفته شوند که معنی این سخنان عبور از اصلاحات است واقعیت این است که بالاخره کارگزاران یک جریان مطرح در کشور است. تا چند ماه دیگر آثار راهبردهای مطرح‌شده خودش را نشان می‌دهد و افکار عمومی بهترین قاضی در این زمینه است. حرکت‌های جدید اجتماعی با آنکه نیازمند هدایت هستند، مانند جنبش‌های کلاسیک نیستند. پیش از اینکه حول یک فرد جمع شوند، حول ایده‌ای مرکزی و مسلط مثلا برابری‌خواهی، صلح‌دوستی یا دموکراسی‌خواهی جمع می‌شوند. بدون شک نبود هادیان بافگایت در تحلیل نهایی آنها را آسیب‌پذیرتر می‌کند. نکته اینکه انتخابات پیش‌رو یک فرصت سیاسی برای همه ماست. باید دید چگونه می‌توان از این انتخابات برای گشایش فضای سیاسی استفاده کرد. منابع مهم ما در این انتخابات عبارت‌اند از مدیریت اصلاح‌طلبان، برنامه حداقلی و حداکثری، سازماندهی و شیوه عمل جمعی. سازماندهی می‌تواند برنامه را از فضای گفتمانی به فضای مادی وارد کند. شیوه عمل مسالمت‌جو و خشونت‌پرهیز در زندگی عادی مردم اخلال ایجاد نمی‌کند و کمک می‌کند بسپج سیاسی به امری همگانی و فراگیر تبدیل شود. صندوق رای یک کارکرد آشکار و یک کارکرد پنهان دارد. کارکرد آشکار همان چیزی است که در ظاهر به توزیع قدرت و گردش نخ‌بگان می‌انجامد؛ اما کارکرد پنهان صندوق رای نوعی سلب قدرت از توده‌هاست.

می‌پذیرند قدرت انتخاب‌شدن خود را بدهند به اشخاصی خاص تا او به نمایندگی از آنها برود و از سوی آنها حرف بزند. انتخابات در آزادترین و دموکرات‌ترین شکل آن، انتقال قدرت خود به دیگری به نام نمایندگی است.

آ آقای اصغرزاده جالش‌های مدیریت اصلاحات را مطرح کرد، اما صحبت‌های آقای کرباسچی بحث عبور از اصلاح‌طلبان تلقی شد. درست است نظر ایشان عبور از خاتمی نبود و تبیین جایگاه راهبری

اصلاحات محسوب می‌شد اما مسئله این است در این مدت باقی‌مانده تا انتخابات با چنین مباحتی موضع اصلاح‌طلبان برای آرایش سیاسی چه خواهد بود؟ برای مثال آقای عارف تاکید دارد که باغیراصلاح‌طلبان نباید ائتلاف کرد یا آقای جبریان بر شرکت مشروط در انتخابات تاکید می‌کند و کارگزارانی‌ها هم شرکت در انتخابات را بی‌قیدوشروط می‌داند و ائتلاف را هم رد نمی‌کند. بالاخره در رابطه با انتخابات چه خواهید کرد؟ اگر به توافق با اصلاح‌طلبان نرسید، آیا کارگزارانی‌های مستقل در انتخابات شرکت خواهند کرد؟

عطریانفر: من در مقام ترییم سخنان آقای کرباسچی نیستم. او خود می‌تواند از دیدگاهش دفاع کند. مصیبتی که در رابطه با درون جبهه اصلاحات داریم، همان مصیبتی است که در مقیاس بزرگ‌تر با سایر جریان‌های سیاسی درون ایران داریم. بخش بزرگی از این گرفتاری‌هایی که بنده و ابراهیم درمورد آنها می‌جویشیم و می‌خرشیم و حرف می‌زنیم و غدغه‌ها داریم و به‌عنوان اشکال مطرح‌شان می‌کنیم، ریشه در این دارد که در سطوح بالا نگاه روی عرصه عمل‌کنندگان در عرصه سیاست نگاه برابر نیست؛ یعنی اگر ما به بزرگ‌نمان بگوییم همه فعالان سیاسی چه گروه اصولگرایان، چه تند، چه کند که اصلاح‌طلبان یا سایر اصولگرایا همگی برادران هم هستند و همه را باید به یک چشم دید تا بتوانند در یک رقابت سالم در میدان حاضر شوند. آن وقت مسئله نظارت استصوابی هم حل می‌شود، اگر این‌گونه شود چه قوی سیاه باشد چه سفید تفاوت نمی‌کند. اکنون بخشی در پناه داوران قرار دارند و از قبل بازی مشخص است و باخت طرف مقابل محتمل و قریب‌الوقوع است. در عرصه کلی سیاست مشکل تبعیض در رفتار داوران به تبعیض در مسئولیت‌دادن و اختیارندادن هم می‌رسد. حال این را مینیاتوری کنید و در جبهه اصلاحات بیاورید، در جبهه اصلاحات با این مصیبت وجود دارد. راهبران اصلاحات باید نگاه‌های تبعیض‌آمیز خود را بردارند. اگر کسی در این نقطه قرار گرفت که ماموریت کلی او تنظیم و تمثیت امر اصلاحات باشد، همه باید یکسان

سیاست

دیده شوند. نمی‌شود افرادی خود را پشت سر مخفی کرده و منویات خود را عرضه کنند و در این رابطه سایرین بر اثر رعایت اخلاق‌مداری خود را کنار بکشند. اکنون کسی دارد این سخنان را می‌گوید که با تمام وجود علاقه‌مند و دل‌بسته به شخص آقای سید محمد خاتمی است. کسی که جزء اولین‌هایی است که پیوند رفاقتش خودشان را همیشه با صدای رسا گفته است نباید شروع به برچسب‌زنی و حذف آن کرد. نباید عده‌ای برآشفته شوند که معنی این سخنان عبور از اصلاحات است واقعیت این است که بالاخره کارگزاران یک جریان مطرح در کشور است. تا چند ماه دیگر آثار راهبردهای مطرح‌شده خودش را نشان می‌دهد و افکار عمومی بهترین قاضی در این زمینه است. حرکت‌های جدید اجتماعی با آنکه نیازمند هدایت هستند، مانند جنبش‌های کلاسیک نیستند. پیش از اینکه حول یک فرد جمع شوند، حول ایده‌ای مرکزی و مسلط مثلا برابری‌خواهی، صلح‌دوستی یا دموکراسی‌خواهی جمع می‌شوند. بدون شک نبود هادیان بافگایت در تحلیل نهایی آنها را آسیب‌پذیرتر می‌کند. نکته اینکه انتخابات پیش‌رو یک فرصت سیاسی برای همه ماست. باید دید چگونه می‌توان از این انتخابات برای گشایش فضای سیاسی استفاده کرد. منابع مهم ما در این انتخابات عبارت‌اند از مدیریت اصلاح‌طلبان، برنامه حداقلی و حداکثری، سازماندهی و شیوه عمل جمعی. سازماندهی می‌تواند برنامه را از فضای گفتمانی به فضای مادی وارد کند. شیوه عمل مسالمت‌جو و خشونت‌پرهیز در زندگی عادی مردم اخلال ایجاد نمی‌کند و کمک می‌کند بسپج سیاسی به امری همگانی و فراگیر تبدیل شود. صندوق رای یک کارکرد آشکار و یک کارکرد پنهان دارد. کارکرد آشکار همان چیزی است که در ظاهر به توزیع قدرت و گردش نخ‌بگان می‌انجامد؛ اما کارکرد پنهان صندوق رای نوعی سلب قدرت از توده‌هاست.

آ آقای عطریانفر بحث سر لایه‌های مانی را مطرح کردند. چندنامه تا انتخابات مانده است و رقیب که همان اصولگرایان باشند در حال فعالیت جدی هستند و این در حالی است که اصلاح‌طلبان در این مدت اندک به یک بحث جدی و تئوریک به نام جایگاه مدیریت در اصلاحات می‌پردازند. آ‌یا این بحث می‌تواند در مدت زمان اندک باقی‌مانده تا انتخابات کمکی به جریان اصلاحات کند؟

اصغرزاده: اگر ما سیاست راهبردی درستی داشته باشیم، این مسئله حرکت جالش‌برانگیز نخواهد بود. آقای خاتمی یک سرمایه‌ است و یک جریان سیاسی به این راحتی سرمایه خود را نباید در معرض حراج بگذارد. اگر آقای خاتمی در این انتخابات از دست برود، ما همه آسیب می‌بینیم؛ بنابراین اینکه گفته می‌شود آقای خاتمی بر اساس یک توافق راهبری جبهه را می‌سازد یعنی این توافق رابطه متعادل بین مسئولیت و اختیارات ایجاد می‌کند؛ یعنی معلوم می‌شود تا کجا باید او تصمیم بگیرد اگر لیستی داده شود بعدا بتواند بازخواست کند تا بتواند پاسخ‌گو باشد. این امر را اصلاح‌طلب‌ها باید در سطوح دیگر هم دنبال کنند. فراموش نکنیم دلایل زیادی برای برگزاری یک انتخابات باشکوه، رقابتی و آرام وجود دارد. انتخابات که‌مزین‌ترین راه برای حل تضادهای درونی و شکاف دولت- ملت است. پاسخ‌گوکردن دولتمردان مهم‌ترین وظیفه اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبان باید راجع به دولت پنهان، اقداماتش و قدرت اقتصادی که در اختیار دارد، صحبت کنند. این‌همه بحث آزادسازی اقتصادی و بحث واگذاری‌ها که در طول این چنددهه دنبال کردیم و به غلط فکر می‌کردیم راه‌سازان اقتصادی به نفع شکل‌گیری بخش خصوصی و نهایتا پیشبرد



دموکراسی است، اما این اتفاق به نفع بخش‌های رانتی و دولت یا دولت پنهان رقم خورد. بالاخره باید در بحث واگذاری مخابرات، هیکو، ماشین‌سازی تبریز، نیشکر هفت‌تپه، آلومینیوم‌سازی یا شرکت بازرگانی پتروشیمی افکار عمومی آگاه شود که چه بر سر دارایی‌های متعلق به مردم آمده است. آ‌یا خریداران اهلیت لازم را داشته‌اند. فکر می‌کنم فعلا برای اینکه از بحران عبور کنیم نیاز به راهبرد یا راهبردهایی داریم که در برابر ترفندهای رقیب بتواند منافع اصلاح‌طلبان و جامعه را افزایش داده و امکان پیروزی رقیب را کاهش دهد. ما یک رقیب قوی داریم، شرایط نامتعادل است و زمین بازی کاملا به نفع آنهاست؛ بدون داور که اصلا مسابقه اجرا نمی‌شود. هیچ‌کس حتی تماشاچیان تند و تیز فوتبال نمی‌گویند داور نباشد بلکه می‌گویند به نفع نگیرد.

آ چندی است که بحث مشارکت مشروط اصلاح‌طلبان در انتخابات مطرح می‌شود. به‌عنوان بحث پایانی شما با این موضوع موافق اید؟

اصغرزاده: این بحث‌ها تعدیل شده است. در بحث‌های اولیه گفته می‌شد اساسا امکان شرکت در انتخابات نیست، زیرا بن‌بست است و امکان اصلاح وجود ندارد. البته بعضی از همان ابتدا می‌گفتند برای حفظ تمامیت ارضی تحت هر شرایطی بی‌قید و شرط باید شرکت کرد و لیست انتخاباتی کامل از میان نامزدهای تأیید‌شده بست. اما امروز اکثریت احزاب به‌نوعی مشارکت مقید به چارچوب اصلاح‌طلبانه در میان اصلاح‌طلبان رسیده‌اند که درست هم هست. نه کسی که بگوید انتخابات را تحریم کنیم در اکثریت است نه کسی که بی‌قید و شرط بخواهد وارد کارزار انتخابات شود، مورد قبول مردم است. اگر نامزدهای اصلی تأیید شدند، شرکت می‌کنیم. اگر ۱۶ نفر تأیید شدند با همان ۱۶ انفر شرکت می‌کنیم. اصلاح‌طلبی نمی‌تواند انتخابات را نادیده بگیرد. جمهوری اسلامی هم بدون انتخابات قابل تصور نیست. شاید عده‌ای تلاش کنند انتخابات را بی‌خاصیت کنند ولی این نظام پایه مشروعیتش بر جمهور خلق است و همان‌گونه که امام خمینی بیان کردند، میزان رای ملت است. هر حکومتی ناچار است کاری کند تا مشروعیت خود را و نیز سرمایه سیاسی و اجتماعی خود را بازتولید کند. در این شرایط، سطح استحکاک در منطقه به بالاترین نقطه خود رسیده و کشور نیازمند تدابیر عقلانی و هم‌سنگی ملی است؛ باید به بسپج اجتماعی برای انتخابات پیش‌رو کمک کرد و این هدف جز با داشتن اصول روشن برای اصلاح امور جبهه اصلاحات، جدایی و ائتلاف‌های جدید امکان‌پذیر نیست. **عطریانفر:** اگر توقع ما این باشد که برای مقابله با رقیب که با تکیه بر ظرفیت‌های غریق‌اعده‌مند به مناسبات از قدرت دست پیدا کرده، میدان را واگذار کنیم تا یک اتفاقی رخ دهد، اشتباه است و این اتفاق نخواهد افتاد. اتفاق هنر اصلاح‌طلبان و کسانی که ذهنیتشان معطوف به ترمیم و بهبود است، این است که از این ظرفیت‌های ذاتی برخوردار هستند که باوجود قدرت ظاهر و هسته سخت رقیب با قدرت عقلانی و غیرخشن و قانونمند، خواسته خود را اعمال کند. از این جهت بنده بر این باورم کسانی

ب: شرایط و مشخصات کارو شرکت در مناقشه

ارانه خدما شامل: حمل و نقل درون شهری و برون شهری (اجاره خودروهای سواری) مدت اجرای کار: یک سال شمسی

محل اجرای کار: تهران

زمان و محل دریافت پکات پیشنهادی: روز سه شنبه مورخ ۹۸/ ۸/ ۱۴ تهران ، خیابان حافظ، نبش خیابان رودسر شرکت ملی نفت ایران ساختمان مرکزی جدید طبقه ۲ اتاق ۲۱۶ زمان و محل بازگشایی پاکات: روز سه شنبه مورخ ۹۸/ ۸/ ۲۱ تهران ، خیابان حافظ ، نبش خیابان رودسر شرکت ملی نفت ایران ساختمان مرکزی جدید طبقه ۲ سالن جلسات (نشین شرکت مناقصه و همچنین عدم رضایت کارفرماز عملکرد مناقصه گر ،مدارک شرکت لازم به ذکر است زمان دقیق جلسه بازگشایی و زمان دریافت پاکات پیشنهادی کتبا به مناقصه گران اطلاع داده خواهد شد .)

ج: مدارک مورد نیاز

ارانه صورتهای مالی حسابرسی شده منتهی به سال ۱۳۹۶

ارانه گواهی تأیید صلاحیت فعالیت در محل اجرای پیمان و بر اساس دستورالعمل شماره ۱۴۹۷۱ مورخ ۸۸/ ۲/ ۱۹ وزارت کار و امور اجتماعی

ارانه گواهینامه تأیید صلاحیت ایمنی بیماتکاری صادرشده توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

سایر موارد در اسناد ارزیابی درج گردیده است.

پس از بررسی مدارک دریافتی از مناقصه گران و انجام ارزیابی ، اسناد و مدارک مناقصه بین شرکت های واجدشرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است در صورت عدم انطباق موضوع فعالیت شرکت با موضوع مناقصه و همچنین عدم رضایت کارفرماز عملکرد مناقصه گر ،مدارک شرکت مزبور مورد بررسی قرارنخواهد گرفت . ضمناً ارانه مدارک و فرم های استعلام ارزیابی تکمیل شده هیچگونه حق را جهت مناقضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

معاونت امور پشتیبانی – امور قراردادهای بر آورد مقادیر
آگهی های ستاد شرکت ملی نفت ایران در سایت www.nioc.ir قابل مشاهده است
روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران



عکس، سپید تکی، شروق